

راهبردها و راهکارهای نظارت و ارزیابی در نظام آموزشی امامیه عصر حضور

javadyavari@yahoo.com

محمدجواد یآوری سرتختی / دکتری تاریخ تشیع مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

Ranjbar@Qabas.net

محسن رنجبر / استادیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۶

چکیده

براساس برخی گزارش‌ها، غالیان و جاعلان حدیث در عصر حضور، اخباری را جعل کردند و کوشیدند تا آنها را با نام «باورهای تشیع» منتشر کنند. در صورت پذیرش چنین گزارشی، برخی باورها و رفتارهای شیعیان ساخته غالیان است. همچنین تصور می‌شود شیعیان در مقابل این اقدامات موضعی منفعل داشته و از سوی آنان برخوردی صورت نگرفته است. اکنون باید پرسید: با توجه به جاودانگی دین اسلام و نقش هدایتی اهل بیت (ع) در حراست از آموزه‌ها، راهبردها و راهکارهای نظارتی امامیه در نظام آموزشی برای دستیابی به اهداف و منشور آموزشی و برون‌رفت از بحران آسیب‌پذیری آموزه‌ها، چیست؟

هدف این تحقیق تبیین موضوع و استخراج شواهد تاریخی و حدیثی از منابع کتابخانه‌ای برای نقد نظریه مورد بحث و اثبات فرایند راهکارهای نظارتی در نظام آموزشی امامیه است. در بررسی و تحلیل گزاره‌های تاریخی و متون حدیثی، براساس اصل «ضرورت حراست از آموزه‌های دین و انتقال آن به فراگیران در جهت سعادت دنیا و آخرت»، این نتیجه حاصل گردیده که شیعیان براساس راهبردهای آموزشی، راهکارهای متناسبی را برای خروج از این بحران‌ها و دستیابی به اهداف، پیش‌بینی کرده‌اند. تولید محتوای آموزشی، هدایت فراگیران، نظارت، و ارائه روش‌های آموزشی از عمده‌ترین راهبردها و راهکارهایی هستند که شیعیان در هنگام بروز بحران و شنیدن اخبار جعلی و اطمینان از صحت یا سقم آموزه‌ها به کار می‌بردند.

کلیدواژه‌ها: غالیان، جعل حدیث، راهبردها و راهکارهای آموزشی، نظام آموزشی امامیه، عرضه حدیث.

مقدمه

در باور شیعیان، اهل بیت علیهم السلام جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و وظیفه دارند تعالیم الهی را به مردم آموزش دهند. اما بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، خلفا با برنامه‌ریزی قبلی، ضمن کنار گذاشتن امیرمؤمنان علی علیه السلام از خلافت، تا مدت‌ها از نگارش و نقل حدیث نبوی صلی الله علیه و آله نیز جلوگیری کردند.^۱ در این دوره، تنها برخی صحابه اجازه تدریس فقه و تفسیر داشتند.^۲ با تکیه بر سیاست آموزشی آنان، برخی از آموزه‌های دینی تحریف و جامعه به جاهلیت بازگشت و عترة و سنت نبوی مهجور ماند.^۳ جاعلان هم به سبب عدم برخورداری جامعه از منابع حدیثی و انگیزه‌های عمدتاً مادی به جعل حدیث و اسرائیلیات پرداختند. برای نمونه، *ابن ابی العوجاء* هنگام اعدام، به جعل چهارهزار حدیث اعتراف کرد.^۴ غالبان جدانشده از تشیع نیز با انگیزه‌های مختلف، اخباری را با نام شیعه منتشر کردند.^۵

فعالیت غالبان و سیاست‌های آموزشی خلفا در تبلیغ آموزه‌های عامه، افزون بر آنکه آسیب‌های جدی برای متون آموزشی داشت، باورها و رفتارها شیعیان و برخی موضوعات علمی را در معرض خطر قرار داده بود، به گونه‌ای که شیعیان برخی مناطق آموزه‌های مذهبی خود را نمی‌دانستند یا از آموزه‌های دیگر فرقه‌ها پیروی می‌کردند. بروز ضعف علمی در نیروی انسانی و روش‌های آموزشی، بخش دیگری از این آسیب‌ها بود؛ چنان که برخی از شیعیان به روش‌های آموزشی مکتب خلفا، از جمله «رأی» و «قیاس» تمایل پیدا کردند.^۶ بنا به گفته مدرسی طباطبایی:

وجود این آسیب‌ها میراث حدیثی و تمدنی امامیه را آزرده و زمینه بروز ادعای وضع، جعل و عدم اطمینان در نگاه‌های کهن شیعی را مطرح کرده است، به گونه‌ای که برخی با دستاویز قرار دادن این گزارش‌ها، حجم انبوهی از روایات معارفی را بر ساخته غلات معرفی می‌کنند.^۷

نتیجه این گفتار آن است که اهل بیت علیهم السلام و شیعیان در برابر این بحران‌ها و آسیب‌ها فعالیت جدی و منسجمی در زمینه کنترل، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های آموزشی نداشته‌اند. اکنون سؤال اساسی این است که آیا امامیه برای برون‌رفت از این آسیب‌ها و بحران‌ها و حراست از میراث تمدنی و حدیثی و حفظ هویت شیعه، راهبردهایی در نظام آموزشی خویش داشته است؟ راه‌کارهای آنان برای برون‌رفت از این بحران‌ها چه بوده است؟ به عبارت دیگر، آیا آنان از سازوکار کنترل، نظارت و ارزیابی بهره برده‌اند؟

۱. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۸۶، ج ۸، ص ۱۰۲؛ محیی‌الدین نووی، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۱، ص ۹۰.
۲. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۶۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۴، ص ۱۳۹.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۴.
۴. علی بن حسین سیدمرتضی، الامالی، ج ۱، ص ۱۲۷.
۵. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۲۰-۴۸۹.
۶. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۶-۵۷.
۷. سیدحسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۸۱-۸۲.

فرضیه پژوهش حاضر این است که نظام آموزشی امامیه برای حفظ هویت و میراث علمی خود، با اتکا بر علوم اهل بیت علیهم السلام، سنجش و ارزیابی احادیث منتسب به ایشان، با اطمینان از صدور و محتوای آموزه‌ها و با پالایش محتوای آموزه‌ها، کنترل، و نظارت و ارزیابی میراث مکتوب و نیروی انسانی، زمینه تعالی جامعه را فراهم کرده است. تنها پژوهش مرتبط با موضوع، مقاله «بازخوانی گزارش دس و تحریف غالیان در پرتو کارکرد فرهنگی نهاد امامت»، نگاشته سیدعلی‌رضا حسینی و طاهر عزیز وکیلی در نشریه شماره ۱۵/امامت پژوهشی است که فقط حدیث را به‌عنوان یک راهکار در فعالیت حدیثی امامیه عرضه کرده است. بنابراین، پژوهش حاضر با تأکید بر ارائه راهبردها و راه کارها، هیچ‌گونه سابقه‌ای نداشته و درصدد معرفی فرایند نظارت و ارزیابی نظام آموزشی امامیه است. برای دستیابی به این نتایج، از داده‌های تاریخی با روش توصیف و تحلیل آنها استفاده می‌گردد.

نظام آموزشی امامیه

مقصود از «نظام تعلیم و تربیت» یا «نظام آموزشی»، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، مفاهیم و عناصر منسجم، سازمان‌یافته و هدفمند درباره تعلیم و تربیت است که از روابط متقابل و نوعی همبستگی درونی برخوردار بوده و بیانگر چگونگی فرایند آموزش است.^۱ نیز می‌توان گفت: «نظام تعلیم و تربیت» عبارت است از: فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادها و شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری وی به سوی هدف مطلوب براساس برنامه‌های سنجیده شده.^۲ بنابراین، در بررسی تعاریف نظام آموزشی، این نتیجه قابل حصول است که نظام آموزشی متشکل از عناصر، زمینه‌ها یا مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی همچون انسجام، فعالیت آگاهانه و هدفمندی است که فرایند آموزش را تحقق می‌بخشد.

در هر نظام آموزشی، برای رسیدن به منشور و اهداف، فرایند آموزشی وجود دارد. برای تشخیص یک نظام از دیگر نظام‌ها، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی وجود دارد و اساساً پیروی از آموزه‌های مذهب و داشتن شاخصه‌ها، نشان‌گر این تمایز است. امامیه به خاطر پیروی از آموزه‌های خاص، دارای نظام آموزشی مستقل و هویتی متمایز از دیگران است. در نظام آموزشی امامیه، مؤلفه‌ها و عناصر و ارکان مبتنی بر تعلیم اهل بیت علیهم السلام طراحی گردیده است، و در مبانی، منابع تولید علم، مرجعیت علمی، آموزه‌ها و روش‌های استنباط احکام تمایز اساسی با عامه دارد. همچنین اخذ علم از مسیر اهل بیت علیهم السلام، مرجعیت و محوریت آنان در تعلیم و تربیت، نقش کلیدی در نشان دادن این تمایز دارد. اهل بیت علیهم السلام منصوب از طرف خدا، رهبر، معدن و منشأ دانش و پایگاه وحی الهی هستند و به سبب برخوردار بودن از علم الهی، اشرافی کامل بر نیازهای علمی و آموزشی انسان در ساحت باورها، اهداف، ارزش‌ها و رفتارها دارند.^۳

۱. سیدداود حجتی، فرهنگ تعلیم و تربیت، ص ۳۴۵.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۳۶۶.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۴، ج ۸، ص ۱۲۵؛ محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص ۳۷۲.

متون و روش‌های آموزشی اهل بیت علیهم‌السلام با دیگران تفاوت اساسی دارد؛ زیرا علم آنان نافع است و حجت دارد و علوم دیگران به خاطر تحریف و عدم دستیابی به علوم نبوی، نافع نیست. برای نمونه، امام کاظم علیه‌السلام به علی بن سُوید سائی می‌فرماید: «ای علی، معارف و اصول دینت را از آنان (مخالفان) نگیر؛ زیرا اگر از غیر آنان (اهل بیت علیهم‌السلام) فراگرفتی، دینت را از خائنی گرفته‌ای که به کتاب خدا، رسول او و امانات او خیانت ورزیده و قرآن را تحریف و تبدیل کرده‌اند.»^۱ شیعیان نیز تأکید دارند که آموزه‌ها را صرفاً از اهل بیت علیهم‌السلام اخذ کنند؛ چنان‌که حُمران بن اعین، یونس و دیگران در جلسات درس خود بر این امر اهتمام داشتند که محور کلام آنان سخنان امام معصوم باشد.^۲

آسیب‌های نظام آموزشی امامیه

نظام آموزشی امامیه از آغاز، دارای موانع و مشکلات، تهدیدها و آسیب‌های جدی بود. سیاست مبارزه با تعالیم امامیه، منع نقل و نگارش سیره و گرایش برخی از شیعیان به آموزه‌های عامه، بخش عظیمی از آسیب‌های جدی نظام آموزشی امامیه است. از آثار منع نقل و نگارش سیره، کثرت‌گرایی در فرقه و مذهب، سطحی‌نگری و قشری بودن دین،^۳ تمسک به ظواهر قرآن، تکفیر مخالفان،^۴ دگرگونی در سنت و حجت اجتهاد شخصی در مقابل نص،^۵ ترویج و تبلیغ رفتار خلفا،^۶ تعبیر سنت‌های الهی،^۷ نفی تعقل‌گرایی،^۸ تشکیک در سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نشر اسرائیلیات، و عدم تفکیک بین حدیث درست از نادرست بود.^۹ در نتیجه این سیاست فضایی حاکم گردید که ابن مسعود می‌گوید، من بیست سال در کوفه بودم و کسی درباره جانشینان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از من سؤال نکرد. همچنین تا قرن سوم کسی - از عامه - خطبه‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از جمله متن کامل خطبه غدیر خم را ننوشت.^{۱۰}

برخی از عالمان عامه از نقل روایات شیعیان ممانعت می‌کردند.^{۱۱} همچنین روایاتی را برخلاف فقه امامیه نقل و به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام منسوب می‌کردند.^{۱۲} در این عصر، اهل سنت روایات منتشرشده درباره تشبیه و تجسیم را، که از غلات شنیده بودند، به شیعه نسبت می‌دادند.^{۱۳} مخالفان، احادیثی را درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام از پیش خود ساخته

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۶-۱۲۴؛ محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۷.
۲. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۴۱۵، ج ۲، ص ۴۸۹؛ همو، الرجال، ص ۳۵۳.
۳. ابن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۴۰، ۱۲۷-۱۳۱.
۴. سعدبن عبدالله اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۵؛ عبدالحمیدبن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱۷.
۵. عبدالحمیدبن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۲.
۶. عبدالرحمن بن محمدبن خلدون، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب و البربر، ج ۱، ص ۵۷۹.
۷. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۸.
۸. احمدبن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۵.
۹. محمدبن علی صدوق، الامالی، ص ۳۰۹.
۱۰. مسلم‌بن حجاج نیشابوری، الصحیح، ج ۱، ص ۱۵.
۱۱. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۳۹.
۱۲. محمدبن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۴۲.

و با نام شیعیان و امامان آنان منتشر می کردند؛ اینها نمونه هایی از تهدید، و آسیب های علمی و آموزشی جامعه شیعه است که نیازمند طراحی راهبردها و راه کارهای اساسی برای حل آنها، حراست و توجه به فرایند آموزش بود.

برخی از نویسندگان معاصر همانند سیدحسین مدرسی طباطبایی تحت تأثیر چنین آسیب هایی، عمدتاً با تکیه بر دو خبر از **رجال کشی** درباره فعالیت های مفوضه، *ابوالخطاب* و پیروان وی در جعل و دس حدیث،^۱ براین باورند که بسیاری از روایان شیعه وابسته به جریان غلو بوده و شمار زیادی از آموزه ها و زیرساخت های اعتقادی امامیه برساخته اندیشه غلات است. در نتیجه، علی رغم کوشش علمای قم، مقدار معتناهی از این گونه روایات به حدیث شیعه رخنه کرده است. وی در ادامه می نویسد:

دست بردن در متون قدیم، که توسط دانشمندان معتمد نوشته شده، پیش از اینها هم با موفقیت به وسیله منحرفین، در روزگار امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام انجام شده و اکنون نوبت مفوضه بود. طبعاً چنین روایاتی بعدها بر اساس ضبط در کتاب منسوب به آن دانشمندان معتقد، با همان اسناد عمومی کتاب در متون بعد روایت می شد.^۲

پذیرش چنین دیدگاهی آثار و پیامدهای زیان باری در تاریخ تشیع دارد. از مهم ترین پیامدهای آن، عدم تمایز آموزه های آنان با دیگران، ابهام در هویت و متون آموزشی، بی توجهی امامان شیعه به محتوای آموزه ها و هدایت پیروان و حراست از متون و روش های آموزشی، و پذیرش نفوذ آموزه های غلات در نظام آموزشی امامیه است. از دیگر نتایج پذیرش این دیدگاه، تخریب فراگیر زیرساخت های فرهنگی جامعه شیعه و در نتیجه، هم رنگی و یکرنگی اندیشه و رفتار آنان با غلات است. بنابراین، برای پاسخ به دیدگاه فوق و برون رفت از پیامدهای منفی آن، لازم است به این سؤال اساسی پاسخ داده شود: آیا نظام آموزشی امامیه برای رسیدن به اهداف و منشور آموزشی، دارای سازوکار نظارت و ارزیابی بوده است؟ راهبردها و راه کارهای آن چیست؟

نظارت و ارزیابی در نظام آموزشی امامیه

«نظارت یا کنترل» عبارت است از: فرایند بازرسی یا تحت نظر قرار دادن فعالیت ها به منظور حصول اطمینان از اینکه آنها همان گونه که برنامه ریزی شده اند، صورت می گیرند.^۳ فرایندی که باید آنها را با هسته ها، مقایسه می کند و تصویر واضحی از اختلاف یا تشابه در اختیار مدیران و مسئولان ذی ربط قرار می دهد. سازوکار کنترل در سازمان ها و نهادها تضمین کننده صحت، دقت عملیات و اصلاح انحرافات است. از دیگر فواید کنترل و نظارت، اشراف بر اثربخشی سایر وظایف مدیریت، پیش بینی واکنش مناسب در برابر تغییرات، اطمینان از روند صحیح پیشرفت کارها و تشویق به امانت داری با انجام کنترل های مستمر است. در نظارت صحیح و اصولی، افزون بر یافتن نقاط قوت

۱. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۴۸۹.

۲. سیدحسین مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۹۶-۹۵، ۸۲-۸۱.

۳. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۰۸۵، ج ۴، ص ۴۷۴۷-۴۷۴۶.

برنامه‌ها و توانایی‌های افراد، باید در پی یافتن نقاط ضعف برنامه‌ها و کاستی‌های کارکنان سازمان نیز بود.^۱ در نظام آموزشی، محورهای ارزیابی، عملکرد فراگیران و روش و مواد آموزشی است. اصطلاح مزبور مترادف با «ارزشیابی و سنجش» نیز هست. توجه به ارزشیابی در جهت تعیین میزان دستیابی به برنامه‌ها و هدف‌های آموزشی کار مطلوبی است و مدیران برای تبیین میزان موفقیت، باید به سنجش، جمع‌آوری و بررسی اطلاعات و ارزیابی آنها بپردازند.

از آغاز خلقت انسان، پیامبران در جهت انتقال علوم و آموزه‌های دینی و اطمینان از صحت و دقت در انتقال آموزه‌ها و رساندن مردم به سعادت دنیوی و اخروی، به تولید محتوا، هدایت فراگیری و حراست از آموزه‌های بنیادین و روش‌های آموزشی برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی و انحراف مردم پرداخته‌اند؛ زیرا تحریف متون موجب تغییر رفتار و اندیشه بشری خواهد شد. امروزه نیز در مراکز علمی و آموزشی، نهاد یا بخشی با عنوان نظارت و ارزیابی وجود دارد که هدف از تأسیس آن اطمینان یافتن از انتقال صحیح آموزه‌ها، بررسی نقاط ضعف و قوت فعالیت‌های آموزشی و بالا بردن رشد کیفی و کمی و رفع یا دفع آسیب‌هاست، و در صورت عدم مراقبت از محتوای آموزشی، اهداف از پیش تعیین شده حاصل نمی‌گردد. بنابراین، اگر نظامی از این نهاد برخوردار نباشد، قادر نیست به تمام اهداف خود دست یابد و وجوهش را از دیگران متمایز و ادعای استقلال کند.

جاودانگی و جامعیت دین اسلام برای هدایت آیندگان، ایجاب می‌کند تا در هر دوره، کسانی که بر دین آگاهی داشته و از مقام علم، عصمت، زعامت و تقوای الهی برخوردارند، ضمن تولید محتوا، هدایت فراگیران، و حراست از دین، حقایق آن را برای هدایت مردم بیان و اجرا کنند. از منظر امامیه، اهل بیت علیهم‌السلام جانشینان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و وظیفه دارند تا افزون بر آموزش مردم، اجرای حدود الهی، برپا داشتن شریعت و حراست از آن، به هدایت، آموزش و تأدیب دینی و تربیتی مردم بر اساس شریعت بپردازند.^۲ همچنین دوام احکام، نظامی را ایجاب می‌کند که اعتبار و سیادت آن را تضمین کرده، عهده‌دار اجرای آنها می‌گردد. به عبارت دیگر، امام عالم به شریعت و معصوم از خطا می‌تواند حافظ دین باشد و قرآن را تفسیر کند و نیازهای فقهی و دینی مردم را بیان کند، تا جامعه دچار تحیر نشود.^۳ بنابراین، اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان حافظان و مربیان شریعت، وظیفه دارند تا ضمن حراست از تعالیم، آموزه‌های صحیح را به فراگیران آموزش دهند و از انحراف نیروی انسانی و متون آموزشی جلوگیری کرده، برای تحقق اهداف، اقدامات لازم را در قالب کنترل، نظارت و ارزیابی فعالیت‌های آموزشی انجام دهند.

امامیه براین باور است که مدیریت نظام آموزشی امامیه در عصر حضور، برعهده امام معصوم بوده و در عصر غیبت نیز برعهده فقیه و مرجع جامع‌الشرائطی است که با در نظر گرفتن نیازها و اهداف، قابلیت این مکتب را با روش تبیین و دفاع از تشیع به نمایش گذاشته، در حل بحران‌های پیش‌رو، برای رسیدن به اهداف عالی،

۱. علی رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۴۹۶.

۲. محمدین محمدین نعمان مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵.

۳. محمدین محمدین نعمان مفید، المقنعه، ص ۳۲؛ همو، اوائل المقالات، ص ۶۵.

قدرت‌نمایی می‌کند. به عبارت دیگر، نظارت بر اجراء، محتوا، تولید متن، ارزیابی عملکرد و فرایند انتقال علم، از وظایف اهل‌بیت علیهم‌السلام و عالمان شیعه است؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «امام و حاکم اسلامی موظف است تا معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.»^۱

با تکیه بر این اندیشه، شیعیان در عصر حضور، به امامان خویش یا عالمان تأییدشده از سوی اهل‌بیت علیهم‌السلام مراجعه می‌کردند. در قرن چهارم و پنجم نیز در مراکز آموزشی مناطق گوناگون، دانشمندان شیعه مرجع مردم در آموزش دین و علوم بودند. بنابر گزارش *ابن خلکان* (م ۶۸۱ق)، سیدمرتضی در عصر خود، چنان جایگاه رفیع علمی داشت که امام و پیشوای دانشمندان عراق، اعم از سنی و شیعه شده بود و علمای عراق برای حل مشکلات علمی خود، به او پناه می‌بردند و ریاست علمی عراق به او ختم می‌گردید.^۲

با توجه به اهمیت و ضرورت یادگیری آموزه‌های صحیح و حراست از آنها، می‌توان گفت: امامیه برای اطمینان از صحت مواد آموزشی، هدایت و کنترل محتوا و نیروی انسانی و روش‌های آموزشی، از سازوکار کنترل، نظارت و ارزیابی بهره برده است؛ زیرا آموزه‌هایی که غالیان و جاعلان حدیث نشر می‌دادند، با ساختار عمومی احادیث اصحاب ناسازگار بود؛ به گونه‌ای که اگر آشکارا این روایات را در جامعه شیعی رواج می‌دادند، به سرعت ناهمگونی خود را با ساختار احادیث صحیح رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام آشکار می‌ساخت. امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «دیگران به ما نسبت‌های نادرست می‌دهند و از این کار نظر خاصی دارند. هدف آنان تخریب جامعه شیعه است.»^۳

از دیگر سو، تشخیص آموزه‌های نشریافته توسط هر دو گروه و تمایز میان آنها، به راحتی امکان‌پذیر بود. به گونه‌ای که اهل‌بیت علیهم‌السلام شیعیان را از مراده با اهل غلو و جاعلان حدیث پرهیز داده، آموزه‌های آنان را رصد می‌کردند؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام از شاگردان خویش خواستند تا شنیده‌های خود از *ابوالخطاب* را برای بررسی، بازگو کنند.^۴ همچنین عده‌ای از شیعیان از دست *ابوالخطاب* غالی به امام صادق علیه‌السلام شکایت کردند و خواستند ایشان کسی را برای پاسخ به آموزه‌های غالیان به ایشان معرفی کند.^۵ از این رو، امام صادق علیه‌السلام در بروز اختلافات و تلاش غالیان در تخریب آموزه‌ها، شیعیان را به *مُفَصِّلِ بْنِ عَمْرِ* ارجاع دادند.^۶

اگرچه اکنون اندکی از روایات مخالف با قرآن و سیره در برخی متون شیعه در عصر غیبت وجود دارد که عمدتاً ناشی از خطاهای فردی یا مبتنی بر روش‌ها و مبانی خاص راویان است؛ اما این مقدار هم با ارائه شیوه‌های آموزشی صادرشده از معصومان قابل شناسایی است. بنابراین، نباید تصور گردد که اساساً تمام آنچه شیعه تولید کرده، بدون

۱. عبدالواحدین محمد تمیمی آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ج ۲، ص ۲۹.

۲. احمدین محمدین خلکان، *وفیات الأعیان*، ج ۳، ص ۳۱۴.

۳. محمدین علی صدوق، *عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۴.*

۴. محمدین حسن طوسی، *اختیار معرفه الرجال*، ج ۲، ص ۴۹۴، ۵۷۹.

۵. همان، ص ۶۲۰.

۶. همان.

نظارت اهل بیت علیهم السلام بوده و شیعیان هیچ اقدامی در جهت حراست از نظام آموزشی نداشته‌اند. امامیه راهبردها و راه کارهای نظارت و ارزیابی را برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، از جمله راه‌یابی احادیث دروغین و غالیانه به میراث بازمانده حدیثی شیعه، طراحی کرده است.^۱

راهبردهای نظارت و ارزیابی

«راهبرد»، یک برنامه جامع و منسجمی است که جهت‌گیری عمده یک مجموعه را معین می‌کند. به عبارت دیگر، به رهنمودها و راه‌هایی که یک مجموعه یا سازمان برای نیل به هدف‌های آینده خود درپیش می‌گیرد، «راهبرد» گفته می‌شود.^۲ برنامه جامع و جهت‌گیری در نظام آموزشی، ناظر به فرایند آموزش و اهداف آن است. تولید محتوا، هدایت، مراقبت و نیل انسان به سعادت‌مندی از راهبردهای اصلی نظام آموزشی است. نظام آموزشی امامیه نیز از این قاعده مستثنا نبوده و برای نیل به منشور خود، راهبردهایی را که ناظر به فرایند تحقق اهداف آموزشی است، تعیین کرده است.

در بررسی تاریخی فعالیت‌های آموزشی امامیه در پنج قرن نخست، از برقراری کرسی درس و تولید محتوا تا تأسیس مراکز علمی، می‌توان گفت: مذهب تشیع برای حفظ هویت، حیات، تمایز خود از دیگران و رسیدن به اهداف و آرمان‌ها، دارای راهبردهای نظارت و ارزیابی بوده است. به نظر می‌رسد تولید متن و تحقق فرایند آموزش، مراقبت از محتوا، هدایت تحصیلی و نیروی انسانی، و تعیین مدیریت، از راهبردهای اساسی نظارت و ارزیابی در نظام آموزشی امامیه بوده است و راه کارها نیز ناظر به تحقق این راهبردها مشخص می‌گردد.

۱. مدیریت

یکی از مهم‌ترین راهبردهای امامیه برای تحقق فرایند آموزشی و دستیابی به منشور آموزشی، تعیین مدیر و رهبر نظام آموزشی برای تولید محتوا و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و آموزشی جامعه است. برنامه‌ریزی آموزشی، تحلیل وضعیت موجود و مطلوب، نیازسنجی و اولویت‌بندی، تقسیم کار و هماهنگی اجزا، بسیج نیرو با گزینش صحیح، تربیت و به‌کارگیری و حفظ آنان، هدایت و ایجاد انگیزه، نظارت و کنترل از وظایف اساسی یک مدیر در نظام آموزشی است.^۳ در صورت نبود مدیریت و مرجعیت مشروع، تولید علم و محتوا دچار نقص، متون آموزشی تحریف، روش‌های آموزشی تغییر، نیروی انسانی تحلیل، نظارت و ارزیابی فراموش، و تمام نیازهای جدید نادیده گرفته می‌شود. در نتیجه، نظام آموزشی قادر نیست به هدایت فراگیران بپردازد. بنابراین، برای جلوگیری از این آسیب‌ها، توجه به تعیین مدیر و نقش او در مدیریت و نظارت و ارزیابی در نظام آموزشی، ضروری است.

۱. یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۷؛ محمدبن اسماعیل مازندرانی، منتهی المقال فی احوال الرجال، ج ۱، ص ۱۹-۱۶.

۲. علی رضائیان، سازمان و مبانی مدیریت، ص ۲۳۹.

۳. ر.ک. علی رضائیان، سازمان و مبانی مدیریت، ص ۳۹۱، ۲۷۱، ۲۳۸.

از این رو، اهل بیت علیهم السلام در عصر حضور و فقها در عصر غیبت، به عنوان مدیران این نظام، وظیفه نظارت بر فرایند آموزش را برعهده داشته‌اند.

۲. تولید محتوا و فرایند آموزش

راهبرد دیگر امامیه در نظام آموزشی، تولید محتوا و آموزش آن است؛ زیرا هدایت و سعادت‌مندی بشر در دنیا و آخرت، نیازمند محتوای آموزشی است. قرآن کریم و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام محتوای دینی نظام آموزشی امامیه است؛ چنان که معصومان علیهم السلام به شاگردان و فراگیران دانش سفارش می‌کردند که پذیرش ولایت و اطاعت از فرامین آنان، ملاک قبولی اعمال و سعادت بشر است.^۱ بنابراین، برای دستیابی به این اهداف، تهیه محتوای متناسب با نیازهای مادی و معنوی و یاد دادن آموزه‌های دینی و مذهبی به مردم، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اهل بیت علیهم السلام و شیعیان در فرایند آموزشی بود؛ زیرا ماهیت دین و مذهب، آموزشی است و مردم با تکیه بر این آموزه‌ها، باورها، رفتارها و ارزش‌های خود را انتخاب و تنظیم می‌کنند.

۳. مراقبت از محتوا و هدایت فراگیری

مراقبت و نگهداری از محتوای آموزشی و هدایت تحصیلی با هدف هدایت انسان برای دستیابی به سعادت‌مندی و خروج از بحران‌های علمی و آموزشی، راهبرد دیگر امامیه در نظام آموزشی است. به عبارت دیگر، برای دستیابی به این مهم، لازم است تا محتوای آموزشی به عنوان یک منبع و میراث علمی برای خروج از بحران تحریف و دس و تأمین مواد دیگر نیازهای علمی، ضبط و نگهداری گردد. بر این اساس، کتاب‌های گوناگون، از جمله *اصول چهارصدگانه* به عنوان منابع اصلی امامیه تألیف شد و حدیث شیعیه با کمک اصول تألیف شده، حفظ گردید.^۲ همچنین اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان، فراگیران را از دریافت علم از غیر ائمه اطهار علیهم السلام نهی^۳ و تمسک به نص امام معصوم را از راهبردها و ویژگی‌های نظام آموزشی امامیه دانستند. توجه به ابزار و روش‌های اجتهاد نیز از دیگر راهبردهای امامیه در مراقبت از محتوا و هدایت تحصیلی است. می‌توان گفت: جامعیت و جاودانگی آموزه‌های مذهبی و نقش آنها در هدایت انسان، ایجاب می‌کرد تا کسانی از این میراث گران‌بها مراقبت کنند؛ زیرا در غیر این صورت، حجت بر پیروان تمام نخواهد بود.

راه کارهای نظارت و ارزیابی

مراد از «راه کارها»، مجموعه اقداماتی است که راهبردها را عملیاتی و اجرایی می‌کند تا اهداف تحقق یابد.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲ ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۷۳؛ محمدبن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۶۸؛ رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۳۰.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۸؛ محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۴۸۹.

در نظام آموزشی نیز راه کارهایی برای عملیاتی کردن راهبردهای نظارت و ارزیابی وجود دارد تا از طریق آنها فرایند آموزش و اهداف آن تحقق یابد. مراجعه به منابع اصلی تولید علم، عدم مراجعه به آموزه‌های دیگران، حراست از میراث علمی و آموزه‌ها، رصد و پالایش آموزه‌ها، مناظره و ردیه‌نگاری برای دفاع از آموزه‌ها، عرضه حدیث و ارائه روش آموزشی و هدایت تحصیلی از مهم‌ترین راه کارهای نظام آموزشی امامیه است.

۱. مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام و دانشمندان امامیه

مهم‌ترین راه کار امامیه در نظارت و ارزیابی آموزشی، تبیین مرجعیت و مدیریت اهل بیت علیهم‌السلام و دانشمندان قابل اعتماد آنان بود. این تبلیغات آنچنان گسترده بود که امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «ولایت ما بر اهالی شهرها عرضه شد.»^۱ اهل بیت علیهم‌السلام برای انسجام بخشی به این نظام، به معرفی خود به عنوان مدیر این نظام و یکی از منابع تولید علم، اقدام می کردند. هدف از این کار تبیین استقلال نظام آموزشی امامیه از دیگران و متمایز کردن شیعیان از دیگران و ارائه راه کار برای پاسخ گویی به نیازهای علمی و کنترل نظام آموزشی بود. آنان به شیعیان یادآوری می کردند با بهره گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به سعادت می رسند؛ آنجا که امام صادق علیه‌السلام می فرمایند: «اگر به حدیث ما چنگ بزنید به رشد و نجات می رسید. اگر حدیث ما را واگذارید سرگشته و نابود می شوید. از احادیث ما الهام بگیرید تا رستگاری شما را ضمانت کنم»^۲

ایشان ضمن تأکید بر حراست شیعیان از دفترهای حدیثی، خطاب به سعد اسکاف فرمودند: «مراتب شیعیان ما را با میزان روایت آنان از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و معرفت شان به آن احادیث بشناسید.»^۳

همچنین امام رضا علیه‌السلام فرمودند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که ولایت ما را احیا کند. علوم و معارف ما را فراگیرید و آنها را به مردم بیاموزید؛ زیرا اگر مردم محاسن سخنان ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند.»^۴ بنابراین، بر پایه این تأکیدها رشد جمعیت علاقه مند به علوم ائمه اطهار علیهم‌السلام و دانشمندان امامیه چنان بود که عبدالله بن سنان از زیادی مراجعه کنندگان به وی، نزد امام صادق علیه‌السلام شکایت می کرد.^۵

نتیجه تبیین مرجعیت اهل بیت علیهم‌السلام آن بود که شیعیان منبع اصلی تولید علم را کسی غیر از امام معصوم نمی دانستند. بنابراین، بر اساس کلام امام، متون آموزشی خویش را تهیه و تنظیم می کردند؛ چنان که برخی از صحابه مجموعه‌ای از فتاوی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در باب «دیات» را نگاشتند. امام نیز آنها را برای کارگزاران

۱. جعفر بن محمد بن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۳۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱، ۵۲؛ محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۶.

۴. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۷.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

خود ارسال کردند.^۱ همچنین صَعَصَعَة بن صوحان و اَصْبَغ بن نُباتَه گاهی گفته‌ها^۲ و حارثِ اَعور و محمد بن قیس بَجَلی^۳ قضاوت‌های امام را نگاشتند و بَجَلی بعدها آن را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرد.^۴ یا محمد بن مسلم با استناد به سخنان امام باقر علیه السلام، به شبهات پاسخ می‌داد.^۵

شیعیان مناطق گوناگون هر ساله، به‌ویژه ایام حج، برای کسب علم به مدینه مهاجرت می‌کردند.^۶ در مباحثات و حل اختلافات علمی و آموزشی، آنان مرجع سخنان خود را امام معصوم می‌دانستند؛ زیرا معتقد بودند: از علم چیزی را نمی‌دانند، مگر آنکه امام به آنان تعلیم دهد؛^۷ چنان‌که مَفْضَل بن قیس در جلسات خود، خطاب به مخاطبان می‌گفت: «نظر من نظر جعفر بن محمد علیه السلام است».^۸ یا حُمران بن اَعین اگر در جلسه مباحثه سخنی غیر از سخن معصوم علیه السلام مطرح می‌گردید، جلسه را ترک می‌کرد.^۹ بنابراین، اگرچه گاهی برخی از شیعیان به خاطر دسترسی نداشتن به امام و مراکز علمی، تحت تأثیر سیاست‌های آموزشی خلفا با آموزه‌های اهل سنت انس می‌گرفتند، اما آنان برای برون‌رفت از این مشکلات، زیر نظر امام معصوم و بهره‌گیری از سازمان «وکالت»، به نگارش کتاب‌های مسائل نگاری^{۱۰} و منابع و محتوای مختلف آموزشی پرداختند.

نقش دانشمندان در تولید، حراست از متون و انتقال آموزه‌ها، کمک شایانی به تقویت نظارت و ارزیابی نظام آموزشی امامیه کرد. بدین‌رو، امام صادق علیه السلام درباره نقش دانشمندان شیعه در حراست از آموزه‌های شیعی فرمودند: «اگر آنان نبودند کسی از ما و احادیث ما اطلاع پیدا نمی‌کرد. آنان حافظان دین و اشخاص محل اعتماد پدرم بر حلال و حرام خدا هستند»^{۱۱} از این‌رو، گاهی برای استمرار روند هدایت و مراقبت از آموزه‌ها، پیروان خود را به برجستگان در علوم اهل بیت علیهم السلام ارجاع می‌دادند. چنان‌که امام صادق علیه السلام شیعیان را به مَفْضَل بن عمر، عبدالله بن ابی‌یعفور را به محمد بن مُسلم و زید شَحَام را به ابی‌یعفور و حُمران بن اَعین،^{۱۲} سَلِیْم بن ابی‌حَبِیَه را به ابان بن تَغْلِب در کوفه،^{۱۳} برخی از مردم را

۱. همان، ج ۷، ص ۳۳۰.

۲. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۶ ص ۲۰۹؛ محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الإمام أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۲۲۳.

۴. محمد بن حسن طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۳۰۸.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۱۵.

۶. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۲۸۳.

۷. محمد بن علی صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۱۴.

۸. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۲۲.

۹. همان، ج ۱، ص ۴۱۵.

۱۰. ر.ک. علی بن جعفر عریضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۶۶.

۱۱. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۸.

۱۲. همان، ص ۴۱۸، ۳۸۳.

۱۳. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۱۳.

به ابویصیر اسدی و زراره^۱ و امام رضا^ع، عبدالعزیزبن مَهتدی وکیل خود در مسائل دینی را به یونس بن عبدالرحمان^۲ و علی بن مسیب همدانی را به زکریابن آدم قمی ارجاع می‌داند.^۳

۲. منع رجوع به آموزه‌های دیگران

بیان عقاید صحیح، نقد محتوایی متون یا عرضه حدیث و تحذیر از ارتباط با غالبان از مهم‌ترین برنامه، و راه کارهای امامیه در نظارت و ارزیابی بود. به عبارت دیگر، مبارزه با جاعلان حدیث، غلات و دیگر فرقه‌های انحرافی با هدف نقد دیدگاه‌ها یا تبیین بطلان آموزه‌های آنان و آگاه کردن شیعیان از محتوای آموزشی خویش، یکی دیگر از راه کارهای نظارتی امامیه بود. بنابراین، امامان شیعه برای حفظ سلامت میراث علمی و آموزشی امامیه، آنان را از مراجعه به دیگر آموزه‌ها به سبب تحریف و ضعف محتوا پرهیز می‌دادند؛ چنان که امام صادق^ع با کسانی که مردم را از مراجعه به کتاب‌های بازمانده ائمه اطهار^ع منع می‌کردند، به شدت برخورد کرده، فرمودند: «دانش ابن شُبْرَمَه در برابر کتاب جامعه علی^ع، گم شده و نابود است. کتاب جامعه برای کسی جای سخنی نگذاشته؛ همه علم حلال و حرام در آن درج است».^۴

همچنین ایشان خطاب به اهل سنت می‌فرمایند: «آموزه‌های ما از جنس "أرأیت" نیست. هر جوابی که من به شما می‌دهم از قول رسول خدا^ص است».^۵

امام رضا^ع نیز شیعیان را به دلیل اختلاف درباره مرجع اخذ حدیث، از مراجعه به آموزه‌های عامه پرهیز می‌دادند^۶ و تأکید داشتند که محتوای آموزه‌ها را به خاندان رسالت ارجاع دهند تا مایه تمایز آنان از دیگران باشد. برای نمونه، چند تن از متکلمان شیعه خدمت امام رضا^ع رسیدند و از اینکه نزد برخی از مردم به «زندیق» و «کافر» خطاب می‌شوند، گلایه کرده، به امام گفتند: ما دیدگاه‌های خود را براساس سخنان شما و پدرانان ارائه می‌کنیم. امام فرمودند: «هنگامی که شما با سخنان پدرانم بحث نکنید، پس می‌خواهید با سخنان ابوبکر و عمر به استدلال بپردازید؟»^۷

ابطال آموزه‌ها و عقاید مخالفان و منع مروده با آنان از دیگر اقدامات امامیه بود. ابویصیر دیدگاه‌های غلات را رصد کرده، به سمع امام صادق^ع می‌رساند. امام نیز افزون بر آنکه به بطلان آموزه‌های آنان می‌پرداختند، شیعیان را

۱. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۴۰۰، ۳۴۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۷۹.

۳. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۵۸.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۷.

۵. همان، ص ۵۸.

۶. محمدبن علی صدوق، عیون أخبار الرضا^ع، ج ۱، ص ۲۷۵.

۷. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۹۰.

از مراد به غلات پرهیز می‌دادند؛^۱ چنان که خطاب به مفضل بن عمر فرمودند: «ای مفضل، با غلات نشست و برخاست نکنید. با آنان دست دوستی ندهید و از آنان حدیثی نگیرید و حدیثی هم نقل نکنید».^۲

همچنین امام جواد^{علیه السلام} افزون بر پاسخ‌گویی به باورهای ناصواب اهل حدیث، شیعیان را به خاطر تأثیرپذیری از آنان، به‌ویژه درباره توحید، به ترک مراد به سفارش می‌کردند.^۳ با رواج کتاب‌های ابن ابی‌العرّاق^{رحمته الله} و بنی‌فضال^{رحمته الله} مذهب در خانه بسیاری از شیعیان، امام هادی^{علیه السلام} نیز به شیعیان فرمودند: «هرچه را آنان از روایان دیگر نقل کرده‌اند، عمل کنید و آنچه را خودشان نقل کرده و در آن اظهار نظر نموده‌اند، ترک نمایید.» امام حسن عسکری^{علیه السلام} نیز با توجه به ضرورت حراست از بنیادهای فکری شیعه، برای برخی از شیعیان نوشتند: «از پذیرش مطالب جاعلان حدیث پرهیزید؛ زیرا آموزه‌های آنان با دین ما ارتباط ندارد».^۴

۳. عرضه حدیث و متون آموزشی

حصول اطمینان از صحت متن آموزش، یک فرایند علمی در نظام آموزشی است. معلمان و فراگیران وظیفه دارند برای رسیدن به اهداف متعالی و جلوگیری از انحراف در ساحت رفتارها و اندیشه، دقت لازم را در اخذ و ارائه متن داشته باشند. به همین سبب، شیعیان به جایگاه راوی و متن آموزشی به هیچ‌روی بی‌توجهی نمی‌کردند. آنان برای حصول اطمینان بیشتر، گاهی آموخته‌ها یا متون حدیثی را بر ائمه اطهار^{علیهم السلام} و دانشمندان شیعه عرضه می‌کردند. بنابراین، عرضه متون با فعالیت‌ها و روش‌های آموزشی و باورهای فراگیران، راه‌کار دیگر مراقبت از داده‌های آموزشی امامیه و برون‌رفت از بحران‌های ناظر به متون حدیثی بود.

عرضه اعتقادات و رفتارهای دینی بر امام معصوم یکی از راه کارهای کنترل و ارزیابی شیعیان بود. توحید، امامت و مباحث فقهی بخشی از این محورهاست؛ چنان که اسماعیل بن جابر^{رحمته الله}، منصور بن حازم^{رحمته الله} و حسین بن ابی‌علاء^{رحمته الله} باورشان درباره علت وجوب اطاعت از ائمه اطهار^{علیهم السلام} را در محضر امام معصوم مطرح کردند. راه‌کار دیگر، عرضه متن یا حدیث بود. آنان در صورت دسترسی به امام معصوم، متون آموزشی را بر ایشان عرضه می‌کردند. برای نمونه، می‌توان به عرضه حدیث «صحیفة الزهد» امام سجاده^{علیه السلام} از سوی ابوحمزه ثمالی^{رحمته الله} بر خود آن حضرت^{رحمته الله} اشاره

۱. همان، ص ۵۹۴، ص ۵۸۸.

۲. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۸۶.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی، التوحید، ص ۱۰۱؛ محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۹۵.

۴. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۳۹۰؛ همو، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۳.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۸.

۶. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۱۹.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۴.

کرد. ابوحمزه برای اطمینان از صدور و صحت شنیده‌ها و نوشته‌های خود، آنها را به محضر امام عرضه می‌کرد و بعد از حصول اطمینان آنها را نقل می‌کرد.^۱

روند عرضه حدیث در دورهٔ صادقین علیهم‌السلام نیز ادامه داشت؛ چنان‌که محمدبن مسلم و زراره مطالب جابر جعفی، ابوبصیر و حکم‌بن عتیبه سنی^۳ را بر امام باقر علیه‌السلام عرضه کردند. همچنین معروف‌بن خربوذ حدیث آسَم غلام محمدبن حنفیه را در حضورش، به امام عرضه کرد. ابوهریره عجلی نیز با توجه به تشخیص مطالب نادرست مغیره، در قالب شعر، به امام باقر علیه‌السلام شکایت کرد.^۵ عبداللّه بن ابی‌شعبه حلبی نیز از جمله دانشمندانی است که کتابی در جامع مسائل فقه داشت و قبل از آنکه آن را منتشر کند، بر امام صادق علیه‌السلام عرضه کرد. امام کتاب را خوب ارزیابی کردند و فرمودند: «آیا آنان (عامه) مثل چنین کتابی در اختیار دارند؟» عمر بن اُدَیْنَه نیز برخی احادیث را برای ارزیابی بر زراره عرضه می‌کرد.^۶

در عصر امام کاظم علیه‌السلام نیز گاهی شیعیان مطالب خود را برای اطمینان از صحت محتوا به امام عرضه می‌کردند؛ چنان‌که عبداللّه بن محمد اهوازی، کتاب مسائل خود را بر ایشان عرضه کرد.^۸ همچنین در عصر امام رضا علیه‌السلام، جمعی از شیعیان کتاب الفرائض و یونس بن عبدالرحمان، کتاب الذیات امیرمؤمنان علیه‌السلام و کتاب‌هایی از اصحاب صادقین علیهم‌السلام را بر امام رضا علیه‌السلام عرضه کردند. امام کتاب‌های حضرت علی علیه‌السلام را تأیید و حدیث‌های بسیاری از کتاب‌های اصحاب صادقین علیهم‌السلام را رد و نسبت آنها را تکذیب کردند.^{۱۰}

شیعیان اهواز و قم نیز با هدف کنترل متون آموزشی، با عرضهٔ متون بر امام جواد علیه‌السلام و پرسش از صحت محتوایی آنها، تلاش کردند تا در کرسی درس، به نقل روایات کتاب‌های عالمان پیشین بپردازند؛ چنان‌که محمدبن حسن می‌گوید: «به امام جواد علیه‌السلام گفتم: فدایت شوم! استادان ما از صادقین علیهم‌السلام روایاتی دارند که چون در آن زمان - به سبب تقیه - طرح آنها کار مشکلی بود، ایشان مجبور به اخفای کتاب‌های خود بودند. در نتیجه، از آنان در زمان حیاتشان روایتی نقل نگردید، و چون از دنیا رفتند کتاب‌هایشان به ما رسیده است. اکنون وظیفهٔ ما چیست؟ امام فرمود: آنها را نقل کنید که درست است.»^{۱۱}

۱. همان، ص ۱۵.

۲. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۵۹.

۵. أحمدبن یحیی‌بن جابر بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۷۷.

۶. احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۲۳۱.

۷. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۹۵.

۸. احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۲۲۷.

۹. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۳۰، ۳۱۱.

۱۰. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۸۹.

۱۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳.

علی بن مهزیار اهوازی نیز به خاطر اختلاف شیعیان در کیفیت اتمام و قصر نماز در حرم مکه و مدینه^۱ و مسئله وقف^۲، نکات اختلافی را بر امام جواد^ع عرضه کردند تا شیعیان در تکالیف شرعی اشتباه نکنند. همچنین شخصی به نام عبدالجبار بن مبارک نهانوندی نیز در سال ۲۰۹ روایتی را برای دریافت صحت و سقم آن به خدمت امام عرضه کرد و امام آن را تأیید نمود.^۳

داود بن قاسم جعفری می گوید: کتاب **یوم و لیلہ** یونس را بر امام حسن عسکری^ع عرضه کردم. امام فرمودند: «تصنیف چه کسی است؟ گفتیم: یونس بن عبدالرحمان. فرمودند: «مطالب این کتاب دین من و پدرانم است و تمام محتوای آن به حق است».^۴ همچنین بُورق بُوشَجانِی کتاب **یوم و لیلہ** را بر امام حسن عسکری^ع عرضه کرد و امام خطاب به وی فرمودند: «محتوای این کتاب صحیح است؛ به آن عمل کنید».^۵

در عصر غیبت نیز روند کنترل و ارزیابی متون آموزشی با روش عرضه حدیث استمرار داشت. برای نمونه، حسین بن روح عالمی بود که شیعیان کتاب **التکلیف سَلَمَغانی** را بر وی عرضه کردند تا صحت و سقم آن را ارزیابی کند.^۶ همچنین زمانی شیعیان درباره گفتار مفوضه و عقاید آنان از محمد بن عثمان استفسار کردند. وی در پاسخ، نظرات مفوضه را در نسبت دادن خلق و رزق به ائمه اطهار^ع تکذیب کرد و آنها را از شئوَن ذات مقدس الهی برشمرد.^۷ نیز حسین بن روح نویختی به جمعی از فقهای آنجا نوشت: «کتاب **التأدیب** را مطالعه کنید و ببینید آیا چیزی بر خلاف نظر شما در آن هست؟ فقهای قم پس از ملاحظه آن نوشتند: تمام مسائل آن صحیح است و چیزی مخالف رأی ما در آن نیست، جز مسئله‌ای که راجع به مقدار زکات فطره در آن است».^۸

۴. نگارش، مقابله و نگاه‌داری متون آموزشی

تکیه اساسی اهل بیت^ع و شیعیان بر نگارش، تدریس، تفهیم و مراقبت از آموزه‌ها به‌عنوان میراثی ماندگار برای اهل علم است؛^۹ زیرا در صورت نبود محتوای آموزشی سالم و منبعی برای تشخیص صحت و سقم آموزه‌ها و اصلاح باورها، امکان هدایت پیروان وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، ماندگاری علم، تفکیک آموزه‌های امامیه از دیگران، اطمینان از صدور متن، عبور از بحران و فتنه‌های علمی، و توسعه و تولید علم از اهداف نگارش حدیث است.^{۱۰}

۱. همان، ج ۴، ص ۵۲۵.

۲. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۰.

۳. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۳۹.

۴. همان، ص ۷۸۰.

۵. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۱۸.

۶. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۴۰۹.

۷. همان، ص ۲۹۴.

۸. همان، ص ۳۹۰.

۹. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۱۸؛ همو، عیون أخبار الرضا^ع، ج ۱، ص ۳۰۷.

۱۰. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲-۵۱.

بنابراین، با تأکید بر نگارش آثار علمی و تمدنی، منابع زیادی توسط شیعیان با هدف تأمین نیازها و پاسخ به شبهات تألیف گردید؛ چنان که رسول خدا ﷺ از شاگردان خویش درخواست می‌کردند تا اندوخته‌های خود را نوشته یا به خاطر سپرده، به دیگران یاد دهند.^۱ امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز فرمودند: «یکدیگر را ملاقات کنید و برای یکدیگر حدیث بخوانید، که اگر چنین کنید، سخنان ما کهنه نمی‌شود و از بین نمی‌رود.»^۲ همچنین امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر فرمودند: (آموزه‌ها را) بنویس و علمت را در میان دوستان منتشر ساز؛ زیرا برای مردم، زمان فتنه و آشوب می‌رسد، آن هنگام جز با کتاب انس نگیرند.»^۳

نگارش آموزه‌ها از همان زمان رسول خدا ﷺ توسط امیرمؤمنان علی علیه السلام و شیعیان آغاز گردید و بعدها نیز در زمان منع نقل و نگارش حدیث و سیره، شیعیان به تولید متن پرداختند و در دسترس اهل بیت علیهم السلام و شیعیان قرار گرفت؛ چنان که امام سجاده علیه السلام و امام باقر علیه السلام با بهره‌گیری از کتاب علی علیه السلام با مردم احتجاج می‌کردند. ابورافع نیز کتابی فقهی نگاشت که در میان شیعیان، یک منبع مشهور و مَبُوب بود و آن را از همدیگر می‌آموختند و از آن نسخه‌برداری می‌کردند.^۴ افزون بر ابورافع، ابوحزمه ثمالی سخنان امام سجاده علیه السلام را یادداشت و منتشر می‌کرد.^۵ محمدبن مسلم نیز در عصر امام صادق علیه السلام با استناد به کتابی که شامل روایات فقهی امیرمؤمنان علی علیه السلام بود، ابوحنیفه را محکوم کرد.^۶ همچنین محمدبن قیس بَجَلی قضاوت‌های امام را نگاشته، بعدها آن را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرد.^۷ زراره نیز دفتری از احادیث امام باقر علیه السلام را یادداشت کرده، به تدریس آنها اهتمام ورزید.^۸ حریربن عبدالله سجستانی نیز صاحب کتاب الصلوات و نوادر بود و دانشمندان شیعه آن را در مجالس درس خود قرائت می‌کردند و عموم شیعیان به‌عنوان رساله فقهی از آن بهره می‌بردند.^۹

در این دوره، کار تبویب و دسته‌بندی حدیث و نسخه‌برداری از متون شکل گرفت. شیعیانی همچون مَطْلَب بن زیاد زهری و مسعد بن صدقه به کار نسخه‌نویسی از نگاشته‌های امام جعفر صادق علیه السلام اهتمام داشتند.^{۱۰} تطبیق

۱. احمدبن علی خطیب بغدادی، تقیید العلم، ص ۷۴-۷۶.

۲. محمدبن علی کراچی، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۳۲.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۴. همان، ج ۸، ص ۱۶۳.

۵. احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۳۶۰.

۶. همان، ص ۷.

۷. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۵.

۸. همان، ج ۷، ص ۳۵.

۹. محمدبن حسن طوسی، فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۳۰۸؛ احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۳۲۳.

۱۰. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۶؛ احمدبن علی بن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۷۴.

۱۱. محمدبن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳؛ محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۱۱؛ احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۱۴۴، ۱۴۲.

۱۲. محمدبن حسن طوسی، الامالی، ص ۱۵؛ احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۴۲۳.

نسخه‌ها همانند نسخه‌های صحیفه سجادیه و نگارش متون حدیثی امر متداولی گشت.^۱ تدوین آثار کلامی در دفاع از حریم شیعه و رد عقاید منحرفان نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.^۲ شیوع و گسترش تألیفات و آموزه‌های شیعی در عراق بیشتر بود.^۳

واضح است که نگه‌داری از آثار منتشرشده برای نسل‌های بعد، اطمینان از داده‌های علمی، و دستیابی به متون صحیح بخش دیگری از راه کارهای کنترل و نظارت امامیه بود. به عبارت دیگر، اگر متن صحیح برای هدایت بشر در دسترس نباشد، امکان دستیابی همگان به سعادت امکان‌پذیر نیست. از این رو، شیعیان از آغاز به نگه‌داری میراث مکتوب از طریق نسخه‌برداری، نگه‌داری کتاب و تأسیس کتابخانه اهتمام ورزیدند. سَمَاعَه می‌گوید: «به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: ما جلسات بحث علمی داریم و هر مطلبی که پیش آید، راجع به آن نوشته‌ای داریم. این هم از برکت وجود شماست.»^۴ حمیری می‌گوید: «من فهرست کتاب‌های *المساحه* را، که *احمد بن ابی‌عبدالله برقی* تصنیف کرده، استنساخ و از روایانش نقل کرده بودم، گم کردم. من شش کتاب وی را جست‌وجو کردم. هیچ نسخه‌ای از آنها را نزد محدثان قم، بغداد و ری نیافتم. از این رو، به اصول و مصنفات مراجعه کردم و احادیث این کتاب‌ها را استخراج نمودم و هر حدیثی را در کتاب و باب متناسب با خودش قرار دادم.»^۵ همچنین باید افزود: قدیمی‌ترین گزارش درباره تأسیس کتابخانه شیعی مربوط به *ابن عقده* و *حسن بن علی بن فضال* در عصر امامین عسکریین علیهم السلام است که تمام تألیفات ائمه اطهار علیهم السلام را گردآوری کرده بودند.^۶

جامعه شیعه در حالی وارد دوران غیبت گردید که اندوخته‌های علمی عظیمی از پیشینیان خود در اختیار داشت. کتاب‌ها و اصول تألیف‌شده نیز غالباً در اختیار دانشمندان و خاندان‌های علمی شیعه بود.^۷ آنان با تکیه بر این منابع، توانستند ضمن تولید و توسعه علم، به نقد مخالفان و شهرت‌پردازند و از این رهگذر، شیعه را از دیگران متمایز کنند. به گفته شیخ مفید (م ۴۱۳ق)، امامیه (در این دوره) از نظر تعداد و از لحاظ علمی، پرجمعیت‌ترین گروه است. آنان دانشمندان علم کلام، صالحان، عبادت‌پیشگان، فقها و علمای حدیث، ادبا و شعرای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. اینان سرشناسان و رؤسای امامیه در دیانت هستند»^۸

این دانشمندان امامیه بودند که به‌طور عمده، مانع رسوخ انحرافات در مذهب شیعه گردیده و از آن پس،

۱. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۴۳۴-۴۳۳.

۳. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۱، ص ۶۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۷.

۵. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۳۵۵.

۶. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۱۲؛ احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۳۵.

۷. جعفر سبحانی، تذکرة الأعیان، ص ۳۴۵.

۸. علی بن حسین سیدمرتضی، الفصول المختاره، ص ۳۳۱.

حدیث شیعه را با کمک اصول تألیف شده، حفظ کردند.^۱ تأثیر این همه فعالیت بر پایه همان آموزه‌ها بود. گرایش برخی از معتزله و خوارج به تشیع نیز در همین راستا بود. مهیار دیلمی،^۲ محمد بن عبدالملک تبان نسفی، ابن قتیبه رازی، عبیدالله بن یعقوب بن نصر انباری^۳ و ابو عیسی وراق^۴ از معتزله و محمد بن سعید از خوارج به تشیع^۵ تغییر عقیده دادند.

۵. رصد و پالایش آموزه‌ها

در دوره حضور ائمه اطهار علیهم‌السلام، افزون بر فرقه‌های مختلف همانند «فطاحیه» و «قدریه»، «غالیان» نیز به انتشار حدیث اهل بیت علیهم‌السلام و تفسیر غلط از آنها پرداختند که بر تخریب و رشد اختلافات در میان جامعه شیعه تأثیر داشت؛ چنان که با رشد جریان‌های کلامی همانند جبرگرایی، اعتزال و تفویض،^۶ غلات نیز در کوفه^۷ سربرآورده، با اباحه‌گری، جعل حدیث و انتساب آن به صادقین علیهم‌السلام،^۸ به تخریب مقام امام صادق علیه‌السلام می‌پرداختند.^۹ رشد و تبلیغات آنان به گونه‌ای بود که عده‌ای از شیعیان با تشخیص آموزه‌های ناصواب، از دست غلات و ابوالخطاب به امام صادق علیه‌السلام شکایت کردند و گفتند: کسی را برای پاسخ به آموزه‌های آنان به ما معرفی کنید.^{۱۰} از این رو، امام صادق علیه‌السلام نیز از شاگردان خواستند تا شنیده‌هایشان از ابوالخطاب را برای بررسی آنها بازگو کنند.^{۱۱} ایشان در مرحله‌ای، شیعیان را برای عبور از این بحران، به مفضل بن عمر ارجاع دادند.^{۱۲} امام کاظم علیه‌السلام نیز فرمودند: «به هشام بن حکم بگویید: چیزی درباره نقد - باورهای قدریه بنویسد و برای من بفرستد. هشام آن را نوشت و خدمت امام عرضه کرد و امام فرمودند: همه چیز در آن آمده است.»^{۱۳}

با تکیه بر مطالب فوق، می‌توان گفت: یکی از راه‌کاری مستمر امامیه برای مراقبت از میراث علمی و محتوای آموزشی، بررسی و رصد اوضاع علمی و آموزشی جامعه اسلامی بود. این کار با هدف آگاهی از آموزه‌ها و روش‌های

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۳۰.

۲. اسماعیل بن عمر بن کثیر، البداية و النهایة، ج ۱۲، ص ۴۱.

۳. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۴۰۳، ۳۷۵، ۲۲۳.

۴. عبدالجبار همدانی، تثبیت دلائل النبوه، ج ۱، ص ۵۱.

۵. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۲۲.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۰.

۷. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۶۲۰.

۸. همان، ص ۴۹۴.

۹. همان، ص ۶۱۶.

۱۰. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۶۲۰.

۱۱. همان، ص ۵۷۹.

۱۲. همان، ص ۶۲۰.

۱۳. همان، ص ۵۴۳.

آموزشی مخالفان، مراقبت از محتوا و نشان دادن تمایز آموزه‌ها و سنجش و ارزیابی توان شیعیان برای پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه بود. آنان چون بر آموزه‌های صحیح تسلط داشتند، تلاش کردند تا از این طریق، نیازهای جامعه را رصد کنند و به آنها پاسخ دهند، و در صورت ناتوانایی، پاسخ آن را از امام دریافت می‌کردند؛ چنان‌که بسیاری از شیعیان از جمله **ثَوْرِبَرِّینْ اَبی فَاخِنَهْ** در مکه چهارهزار مسئله از سؤالات شیعیان کوفه را یادداشت کرده بود تا از امام باقر علیه السلام پاسخ آنها را دریافت کند.^۱

همچنین هشام بن حکم می‌گوید: «من در منا از امام صادق علیه السلام ۵۰۰ سؤال درباره علم کلام پرسیدم و گفتم که آنان (عامه) چنین می‌گویند و امام درباره هر مسئله می‌فرمودند: «تو هم این‌گونه پاسخ بده.»^۲

عبدالرحمان بن حجاج با شرکت در درس **ابن ابی ایلا** و **ابوحنیفه**، آگاهی خوبی درباره آراء و روش‌های استدلالی فقهی سنی عراق داشت.^۳ **زراره** نیز در درس اهل سنت مدینه شرکت می‌کرد و از دیدگاه فقهی آنان باخبر بود و در مناظره توانست آنان را شکست دهد.^۴ نیز **مُعَاذِینْ مُسَلِم** در مسجد کوفه به صدور فتوا می‌نشست و مردم مسائل شرعی خود را از وی می‌پرسیدند. اگر سائل از مخالفان شیعه بود رأی فقهی آنان را اظهار می‌کرد، و اگر از شیعیان بود طبق فقه امامیه فتوا می‌داد، و اگر او را نمی‌شناخت هم نظریه شیعه و هم رأی مخالفان را اظهار می‌کرد.^۵ نتیجه آن گردید که روند رصد افکار آموزه‌های مخالفان برای جلوگیری از تحریف متون آموزشی، روندی جاری در میان شیعیان گشت.

در عصر غیبت نیز عالمان شیعه برای مراقبت از آموزه‌ها، ضمن رصد دیدگاه‌های مخالفان، با روش‌های گوناگون، به پاسخ‌گویی برمی‌آمده‌اند. تعیین نماینده در مناطق شیعه‌نشین و ارجاع نیازهای شیعیان و دیدگاه مخالفان به مرجع تقلید، یکی از اقدامات آنان بود.^۶ پالایش متون از دیگر اقدامات آنان بود. بروز پدیده «نظارت»، پالایش یا استثنا در تاریخ حدیث شیعه، نشان از دقت آنان در حفظ میراث تمدنی دارد؛ چنان‌که نجاشی می‌نویسد: «ما از **احمد بن محمد بن سیاری** روایت نقل کردیم، جز آنچه را که غلو و تفویض بود»^۷ **ابن ولید** قمی نیز پس از بررسی کتاب **نوادِرِ الْحِکْمَةِ**، روایت‌های بسیاری از آن را استثنا کرده و از نقل آنها خودداری ورزید که به **مستثنیات ابن ولید** نام گرفت.^۸ **شیخ طوسی** بیان می‌دارد که **محمد بن حسن بن ولید** فقط یک حدیث را از کتاب **الشَّرَائِعِ**، نگاشته **علی بن ابراهیم بن هاشم** استثنا کرده است.^۹

۱. همان، ص ۴۸۳.

۲. محمد بن حسن صفار، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام**، ج ۱، ص ۱۱۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، **الکافی**، ج ۷، ص ۲۸۰.

۴. محمد بن حسن طوسی، **اختیار معرفه الرجال**، ج ۱، ص ۳۶۹.

۵. محمد بن علی صدوق، **علل الشرائع**، ج ۲، ص ۵۳۱.

۶. عبدالعزیز بن براج طرابلسی، **المهذب**، ج ۱، ص ۳۰.

۷. احمد بن علی نجاشی، **الرجال**، ص ۸۰.

۸. محمد بن علی صدوق، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۴۳؛ احمد بن علی نجاشی، **الرجال**، ص ۳۴۸.

۹. محمد بن حسن طوسی، **فهرست کتب الشیعه و اصولهم** ص ۲۶۷.

شیوخ شیعه بغداد عبدالله بن یعقوب بن نصر انباری را به خاطر اتهام غلو نپذیرفته، مورد بی‌مهری قرار دادند و اصرار ابن‌غضائری برای استماع درس زندانباری بی‌نتیجه ماند.^۱ همچنین احمد بن محمد بن عیسی اشعری مرجع قمی‌ها تعدادی از علمای شیعه، از جمله سهل بن زیاد، حسین بن عبدالله، ابوسمینه و عده‌ای دیگر را را به جرم نقل روایات غلوآمیز از قم اخراج کرد.^۲ عیاشی نیز روایات قابل اعتماد را نقل می‌کرد.^۳ طبق گزارش نجاشی، شیوخ بغداد از هر کسی روایت نقل نمی‌کردند؛ چنان‌که نجاشی با شنیدن تضعیف علمای شیعه درباره ابن‌عیاش، فراگیری حدیث از وی را متوقف کرد.^۴

۶. مناظره و ردیه‌نگاری

حراست از آموزه‌ها در قالب مناظره و ردیه‌نویسی با هدف ابطال عقاید دیگران و اثبات حقانیت و درستی آموزه‌ها، راه‌کار دیگر امامیه در نظارت و ارزیابی بود. یکی از مهم‌ترین نتایج مناظرات، روشن شدن حق برای برخی و گرایش به تشیع بود. نگارش ردیه علیه آموزه‌های مخالفان در محورهای فقهی، حدیثی، تفسیری، فلسفی و کلامی یهود، ثنویه، فلاسفه یونان، زنادقه، اهل سنت، مرجئه، قرامطه، غالیان، اصحاب حدیث و رأی، معتزله و اشاعره، قایلان به تناسخ، واقفه، زیدیه، اسماعیلیه، مفوضه، فطحیه و بسیاری از جریان‌های فکری و مذهبی، بخشی از فعالیت‌های امامیه در حراست، تبیین و نشان‌دادن درستی و تمایز آموزه‌های آنان از دیگران است.^۵

با تکیه بر صحت و قدرت محتوایی آموزه‌های امامیه، امیرمؤمنان علی علیه السلام با قوانینی که به‌عنوان «سیره شیخین» در زمان خلفای راشدین تثبیت شده بود، مخالفت ورزیدند. ایشان در شورای شش نفره عمر، تنها سنت نبوی صلی الله علیه و آله را لازم‌الاتباع دانسته، سیره دیگران را نپذیرفتند.^۶ به اعتراف حسن بصری، حضرت علی علیه السلام در زمانی که دین به کجی گراییده بود، راه را به مردم نمایاند و کجی‌ها را راست کرد.^۷ همچنین امام باقر علیه السلام در برابر جعل اخبار و نقل اسرائیلیات به مبارزه با کعب‌الاحبار و تکذیب سخنان وی پرداختند و در مقابله با او، روایات صحیح را عرضه می‌کردند، و برای پاسخ به سؤالات حکم‌بن عتیبه سنی، از کتاب امیرمؤمنان علی علیه السلام بهره گرفتند.^۸ با آموزش‌های امام باقر علیه السلام شیعیان از سایر مردم متمایز و بی‌نیاز شدند و پس از آن، این عامه بودند که به شیعیان نیازمند گردید.^۹

۱. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۲۳۳.

۲. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۷۹۹؛ احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۱۸۵.

۳. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۱۳؛ احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۱۸۵.

۴. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۲۳۳.

۵. برای استقرای موارد یاد شده با عنوان «الرد علی» یا «مجلس مع»، رک. احمد بن علی نجاشی، الرجال.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۴، ص ۲۳۹ - ۲۳۸.

۷. عبدالله بن محمد بن ابی‌شبهه، المصنف، ج ۷، ص ۵۰۵.

۸. احمد بن علی نجاشی، الرجال، ص ۳۶۰.

۹. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰؛ ج ۴، ص ۲۴۰.

۷. قرائت و اجازه نامه

یکی از راه های تحمل حدیث و پشتوانه صحت و درستی آموزه ها، قرائت و اخذ اجازه نامه است. با توجه به زیاد شدن واسطه ها در نقل حدیث و مراقبت از میراث تمدنی، «قرائت» و «اجازه نامه» شیوه مناسبی برای نظارت، ارزیابی و حراست از میراث مکتوب امامیه بود؛ بدین صورت که استادان علم حدیث به طور کتبی یا شفاهی، بعد از قرائت یا نگارش متن و کنترل صحت محتوا، اذن نقل روایت از خود را به شاگردان اعطا می کردند و معمولاً در این اجازه نامه ها، نام استادان را ذکر می کردند. فراگیران مطالب خود را بر استاد می خواندند تا از صحت محتوا اطمینان یابند و بعد از اخذ مجوز تدریس و نقل روایت، به نشر آموزه ها می پرداختند.^۱

برای نمونه، حُمران از فقها و قرآء کوفه بود و نوشته های خود را برای تشخیص صحت، بر امام باقر علیه السلام قرائت کرد.^۲ حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی هزار جلد کتاب را بر استادان خود قرائت کرد و اجازه نقل حدیث از استادان گوناگون از جمله عیاشی را دریافت کرد.^۳ اجازه نامه یا از سوی امام به شاگردان اعطا می گردید؛ چنان که امام کاظم علیه السلام به علی بن حمزه اجازه داد تا وی به پاسخ مسائل حلال و حرام مردم بپردازد؛^۴ یا از سوی دانشمندان به شاگردان خویش داده می شد، آنجا که حسن و حسین بن سعید اهوازی برای یادگیری حدیث از اهواز راهی قم شدند و در همان جا ماندگار شدند. حسین افزون بر یادگیری حدیث، اجازه نقل کتاب های خود را به قمی ها داد.^۵ از فواید مهم این کار، افزون بر دقت و توجه به صحت مطالب، کنترل و نظارت بر محتوا، اتصال سند اخبار به اهل بیت علیهم السلام است.

۸. ارائه روش استنباط و هدایت فراگیری

از دیگر راه کارهای نظارت بر محتوای آموزشی و نیروی انسانی، ارائه روش آموزشی، شیوه استنباط از متون و هدایت تحصیلی فراگیران است. وجود نص، شیعیان را از ورود به خطا و اجتهاد در مقابل نص بی نیاز می کرد. و در صورت دسترسی نداشتن به امام معصوم، به فقهای قابل اعتماد ارجاع داده می شدند. فقها نیز با تکیه بر اصول استنباط، به مسائل مستحدثه پاسخ می گفتند. یکی از اصول تشخیص آموزه های صحیح یا کلام معصوم، موافقت محتوا با کتاب خداست. احادیثی که موافق قرآن و سنت نیست، رد می گردد؛^۶ چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر آن حدیث موافق کتاب خدا نبود، آن را بر اخبار عامه عرضه نمایند و آنچه موافق اخبار ایشان است، رها کنید و آنچه را مخالف

۱. احمدین علی نجاشی، الرجال، ص ۳۹۲ - ۳۸۹.

۲. احمدین محمد ابوغالب زراری، رساله اُبی غالب الزراری، ص ۱۱۳.

۳. محمدین حسن طوسی، فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۱۶۶.

۴. محمدین محمدین نعمان مفید، الاختصاص، ص ۸۹.

۵. محمدین حسن طوسی، فهرست کتب الشیعه و أصولهم، ص ۱۴۹.

۶. محمدین حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۸۹.

اخبار آنان است، فراگیرید^۱؛ زیرا آنان احکام الهی را تحریف و تغییر داده بودند. تمسک به قول مجمع علیه از شیعیان هنگام بروز اختلاف در نقل قول‌ها نیز، روش دیگری بود،^۲ و در صورت عدم فهم حدیث، آن را باید به اهل بیت^{علیهم‌السلام} رجاع می‌دادند^۳ و در نهایت، زمانی که به امام دسترسی نداشتند از قواعد اجتهادی در هنگام فقدان نص بهره می‌بردند و فرع را از اصل استخراج می‌کردند. بنابراین، شیعه به سبب برخورداری از نص، نیازمند قواعد به‌عنوان نیاز اولی نبود، بلکه این نیازی ثانوی بود. اما گاهی به خاطر فقدان، اجمال یا تعارض نص و دیگر حالتی که فقیه با آن مواجه می‌گردد، سراغ قواعد اصولی می‌رفتند؛ چنان‌که امام صادق^{علیه‌السلام} به شاگردان خود می‌فرمودند: «بر ماست که به شما اصول و قواعد کلی اجتهاد را بیاموزیم، و بر شماست که فروع آن را بکاوید.»^۴

بهره‌برداری از قرآن، سنت و استفاده از اجماع و عقل به‌عنوان ابزاری برای کشف نظر معصوم، از مختصات روش اجتهادی امامیه است. آنان عقل را به‌عنوان ابزاری در خدمت کشف حکم معصوم و حکم فرعی از اصلی می‌دانند.^۵ به‌عبارت دیگر، عقل در ادراک تفصیل مسائل، محتاج شرع و وحی است. بدین‌روی، شیعیان تحت تأثیر هیچ مذهبی قرار نگرفتند و در تدوین آثار پژوهشی، ملاک را حدیث اهل بیت^{علیهم‌السلام} قرار می‌دادند، چنان‌که شیخ مفید نیز در بحث‌های کلامی، خود را نیازمند روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} می‌دانست و بر آنها تکیه می‌کرد.^۶ با خرده‌گیری اهل سنت از روش تدوین آثار حدیثی - فقهی امامیه، آنان بر آن بودند تا از دل اصول، فروع فقهی را استخراج کنند؛ چنان‌که شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) می‌نویسد: به خاطر طعن مخالفان بر امامیه به اینکه تفریع فروع نمی‌کنند و فقط به تبیین احکام منصوص می‌پردازند، به نوشتن کتاب *المبسوط* روی آوردم، تا بدانند امامیه با کمک احادیث خود می‌تواند تمام مسائل را استنباط کند و نیازی به قیاس ندارد.^۷

امامیه برای دفع اختلاف روایان و متون، اسناد در آموزه‌ها، بیان صفات راوی را در دستور کار خود قرار داد؛ امری که اهل بیت^{علیهم‌السلام} بر آن تأکید کردند تا فراگیران گرفتار تدلیس نگردند؛^۸ آنجا که جابر جعفی بر بیان سند از سوی امام باقر^{علیه‌السلام} تأکید داشت و امام نیز خطاب به وی فرمودند: «هر آنچه نقل می‌کنیم، سند آن به رسول خدا^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} می‌رسد.»^۹ به اعتراف منابع، *آبان بن تغلب* قبل از علمای عامه بر اسناددهی تأکید کرده است. از این‌رو، شیعیان نیز به این اصل پایبند بودند تا از طریق روات ثقه، به کلام معصوم دست یابند.^{۱۰}

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲. محمدبن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴. محمدبن احمدبن ادريس حلی، السرائر، ج ۳، ص ۵۷۵.

۵. محمدبن محمدبن نعمان مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۴۹.

۶. محمدبن محمدبن نعمان مفید، اوائل المقالات، ص ۷۱، ۵۳.

۷. محمدبن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۶۲.

۸. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۹. محمدبن محمدبن نعمان مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۶۷.

۱۰. محمدبن حسن طوسی، العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۴۱؛ محمودبن عمر زمخشری، ربیع الأبرار ونصوص الأخبار، ج ۴، ص ۱۸.

یکی دیگر از اقدامات نظارتی و ارزیابی، تبیین روش‌ها و ملاک‌های نقل حدیث و هدایت تحصیلی فراگیران است. امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به عبدالله بن عباس، هنگامی که او را برای گفت‌وگو با خوارج می‌فرستادند، فرمودند: «با ایشان به قرآن مناظره نکن؛ زیرا قرآن بار معناهای گوناگون را تحمل می‌کند. تو چیزی می‌گویی و آنان چیز دیگری می‌گویند، بلکه با ایشان به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مناظره کن که راه گریز نداشته باشند.»^۱ امام صادق علیه السلام نیز به برخی از شیعیان، از جمله جمیل بن دراج تذکرات لازم را درباره ملاک نقل آموزه‌ها ارائه می‌کردند.^۲

همچنین ایشان بر روند فعالیت علمی شاگردان خود نظارت کرده، به اصلاح باورها و روش‌های آنان می‌پرداختند؛ چنان که فرمودند: «ای حمران، تو سخنت را به دنبال حدیث می‌آوری (و مرتبط با بحث سخن می‌گویی) و به حق می‌رسی.» به هشام بن سالم نیز فرمودند: در پی حدیث می‌گرددی، ولی تشخیص نمی‌دهی (می‌خواهی مرتبط سخن بگویی، ولی نمی‌توانی).» به أحول نیز فرمودند: «بسیار قیاس می‌کنی و از موضوع خارج می‌شوی. مطلب باطل را به باطل رد می‌کنی و باطل تو روشن است.» به قیس ماصر هم فرمودند: «تو چنان سخن می‌گویی که هر چه می‌خواهی به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک‌تر باشد دورتر می‌شود. حق را به باطل می‌آمیزی حق اندک از باطل بسیار بی‌نیازت می‌کند. و شما ای أحول، (در مباحث علمی) بسیار خیزگیرنده و ماهر هستی. اما شما ای هشام، با هر دو پا به زمین نمی‌خوری. تا بخواهی به زمین برسی، پرواز می‌کنی. شخصی مانند تو باید با مردم سخن (مناظره) بگوید. خود را از لغزش نگاه‌دار، شفاعت ما به دنبالش می‌آید.»^۳

نتیجه‌گیری

نظام آموزشی امامیه به خاطر جامعیت، جاودانگی و برخورداری از منشور و محتوای آموزشی در جهت هدایت و سعادت‌مندی پیروان، از راهبردها و راه کارهایی برای حراست از نظام آموزشی خویش داشته است. تولید محتوا، تبیین مرجعیت علمی، مدیریت و هدایت تحصیلی از مهم‌ترین راهبردها، و رجوع به منابع تولید علم، منع بهره‌گیری از منابع دیگران، حراست از مواد آموزشی تولیدشده، رصد و پالایش آموزه‌ها، تبیین و دفاع از آموزه‌ها و ابطال آموزه‌های غلط، بهره‌گیری از روش‌های آموزشی، قرائت، اجازه‌نامه، عرضه حدیث بر منابع تولید علم برای تشخیص صحت و درستی محتوا و هدایت تحصیلی فراگیران، از مهم‌ترین راه کارهای امامیه در نظام آموزشی است. به عبارت دیگر، بیان عقاید صحیح، نقد محتوایی متون و تحذیر از ارتباط با غالیان، مهم‌ترین برنامه‌ها و راه کارهای امامیه بوده است؛ تلاشی که از عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز گردید و در دوره‌های بعد به سازوکاری فراگیر و مستمر درآمد و شیعیان با این روند، برای حل مشکلات و عبور از بحران‌های علمی و آموزشی از آن بهره می‌بردند. شیعیان جریان غلو،

۱. نهج البلاغه، نامه ۷۷، ص ۷۴۲.

۲. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۲۱.

۳. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۶۰.

غالبان و داده‌های جعلی آنان را تشخیص می‌دادند و گاهی در صورت عدم تشخیص، با ملاک‌ها و روش‌های آموزشی، سند و محتوای حدیث را کنترل و ارزیابی می‌کردند. اکنون با توجه به این راهبردها و راه‌کارها، می‌توان گفت: نقش تخریبی گسترده غلات در میراث حدیثی شیعه مردود است؛ زیرا بسیاری از احادیث جعل شده پالایش گردیده، و خطاهای موجود در متون آموزشی امامیه در دوره‌های بعد، به‌ویژه عصر غیبت، ناشی از سهل‌انگاری، عدم توجه به ملاک‌ها و روش‌های آموزشی و نقل حدیث است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، *المصنف*، تحقیق سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر*، تحقیق خلیل شحاده، ط. الثانية، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، *المهذب*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- _____، *فتح الباری*، چ دوم، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم، *وفیات الأعیان*، بیروت، دارالثقافه، بی تا.
- ابن سعد، محمد بن، *الطبقات الکبری*، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن سلیمان کوفی، محمد، *مناقب الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*، قم، مجمع احیاء الثقافه الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- ابن قولوبه قمی، جعفر بن محمد، *الکامل الزیارات*، نجف، دارالمرتبویه، ۱۳۵۶.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابو غالب ززاری، احمد بن محمد، *رسالة أبی غالب الزراری إلى ابن ابنه فی ذکر آل أعین*، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۹.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، *المقالات والفرق*، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰.
- اشعری، علی بن اسماعیل، *مقالات الاسلامیین*، تصحیح هلموت ریتز، ط. الثالثه، آلمان، فرانز شتاينر، ۱۴۰۰ق.
- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناصره*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- _____، *فتوح البلدان*، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۹۹۸م.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، چ دوم، قم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۰ق.
- جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، چ ششم، قم، انصاریان، ۱۳۸۱.
- حجتی، سید داود، *فرهنگ تعلیم و تربیت*، تبریز، احرار، ۱۳۷۵.
- حلی، محمد بن احمد بن ادریس، *السرائر*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- _____، *تقیید العلم*، بیروت، دار احیاء السنة النبویه، ۱۹۷۴م.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
- رضائیان، علی، *سازمان و مبانی مدیریت*، چ سیزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
- زمخشری، محمود بن عمر، *ربیع الأبرار و نصوص الأخبار*، بیروت، الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
- سبحانی، جعفر، *تذکره الأعیان*، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۹ق.
- سید مرتضی علم الهدی، علی بن حسین، *الامالی*، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۸م.
- _____، *الفصول المختاره*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- صدوق، محمد بن علی، *الامالی*، بیروت، علمی، ۱۴۰۰ق.
- _____، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.

- _____، *النخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- _____، *علل التورایح*، قم، داوری، ۱۳۸۵.
- _____، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، چ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- _____، *من لایحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- صفا، محمدین حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، چ دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثانیه، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، محمدین حسن، *اختیار معرفه الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- _____، *الامالی*، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- _____، *العدة فی أصول الفقه*، قم، ستاره، ۱۴۱۷ق.
- _____، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- _____، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ق.
- _____، *تهذیب الاحکام*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- _____، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*، قم، مکتبه محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
- عریضی، علی بن جعفر، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- کراجکی، محمدین علی، *کنز الفوائد*، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
- کلینی، محمدین یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- مازندرانی، محمدین اسماعیل، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم، آل البيت، ۱۴۱۶ق.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین، *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر، ۱۳۸۸.
- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چ بیست و ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- مفید، محمدین محمدین نعمان، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، *المقنعه*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، *اوائل المقالات*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، چ دوم، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- نجاشی، احمدبن علی، *الرجال*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
- نوی، محی الدین، *صحیح مسلم بشرح النووي*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، *الصحیح*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- همدانی، عبدالجبار، *تنبیث دلائل النبوة*، قاهره، دارالمصطفی، بی تا.